

# پیام ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۶۸ - دسده ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ - صفحه ۴ - ۱۵ رباع

## سخنی با روحانیت

شماره ۱

نگراف مدیر پیام جبهه ملی به دادستان انقلاب

## نه دادی هست، نه دادرسی و نه دادستانی

جناب آقای قدوسی دادستان محترم انقلاب  
ماهیست دفتر روزنامه پیام جبهه ملی بتصرف اشغال - گرانی که هوبت آنان برهمه مسئولان و غیرمسئولان مملکتی معلوم است اشغال شده و بی همه مراجعات و مذاکرات و مکاتبات از رئیس جمهوری گرفته تا دادستان کل و نخست وزیر و سایر مراجع قانونی آنچه البته بجائی نرسیده فریاد است. نه دادی هست و نه دادرسی و نه دادستانی. انتظار میرفت در سالی که سال حکومت قانون معروف و اطلاعیه ده ماده ای دادستان انقلاب منتشر گردیده باین تصرف عدوانی خاتمه داده شود. مناسفانه نه تنها گفتار با کردار توام نیست بلکه شتم و ضرب و جرح فرزندکان جرایم و صادره روزنامه های چاپ شده و اموال تشریفات بصورت امری عادی ساری و جاری گردیده است. بقیه در صفحه ۳

## سرزمینی بی ترحم و کشوری بدون مسئول

### کشتار مردم

### بی عقوبت ترین جرائم در جمهوری اسلامی

در هفته های اخیر و در آغاز سال "حکومت قانون" و "رحمت" و "عظمت" مردم مین ما با تاسف بسیار شاهد هجوم مسلحانه، و ضرب و جرح و قتل در گوشه و کنار مملکت می باشد. اینجا و آنجا جوانان آگاه و بیدار دل بخاک و خون سفلطند در همه جا بهانه هایکی است. بهانه همه حکومت های استبدادی در سراسر کینی. در گزارش هایی که جسته و گریخته منتشر شده است مناسفانه نهاد های باصلاح انقلابی و مقامات محلی نیز دخالت مستقیم داشته و کلیه این اعمال با مشارکت و همراهی آنان صورت میگیرد.

مردان کوچک و بزرگ حکومت نیز بجای چاره اندیشی و برخورد منطقی با مسائل خود در ناآید و تشویق چنین عملیاتی بر یکدیگر پیشی گرفته اند. و حتی آقای وزیر مشاور نیز که از برکت مشاورات بی بدیل ایشان سرتاسر مملکت میروید که به بهشتی برین تبدیل گردد!! کوئی لباس رزم پوشیده و در صحنه نبرد دن کیتوت وار هل من مبارز می طلبد و با انبانی از تهمت و افترا کوئی در آرزوی آن است که حمام خون براه اندازد و خود به نهنائی در آن غسل نماید.

وزیر کشور، رئیس و نمایندگان مجلس و امامان روز جمعه سرفه جرمین برای قضای مردم بی گناه پهن کرده اند شرح یک جنگ داخلی و خانمان برانداز سایه شوم خود را در همه جا گسترده و سنگینی آن در هر گوشه و کنار احساس میشود.

دیگر مقامات مملکتی نیز بنوعی دیگر بهمین راه میروند. استانها و شهرهای مملکت را در سبب در اختیار اسناداران و فرمانداران بدون صلاحیت قرار داده اند و بدست هریک علم استقلال تا با کمک مسئولین محلی سرتاسر مملکت را به آشوب بکشند.

صاحب هر فکر و عقیده مخالف دروغ پرداز باید بخاک افند. و پاسخ هر نوع ابراز وجود فقط از دهانه مسلسل شنیده میشود. هرآنکه مرد میدان است بایدین صحنه گذارد تا با سرب داغ عقوبت بسند.

رادیو و تلویزیون، مطبوعات دروغ پرداز حکومتی و تریبون مجلس کلا در اختیار سناست دروغ و ترور قرار دارد. در ترویج و اشاعه این سیاست سعی بر آن است که همگان کوی سبقت ازهم برآیند.

مقامات دولتی و نهادهائی که طبق قانون خیرگان برای اداره کشور باید اعمال مسئولیت کنند از بام ناشام به بازی خنک و ملالت باری مشغولند. "هیئت هائی سه کار رتی و فنق کمارده میشوند که همه اعضای آن خود از عاملان و مجریان این آشفتنکی بوده و بارها بیهودگی کار آنان به اثبات رسیده است. کوئی نرسوشت کشور و آینده مملکت در کزو اختلافات خصوصی است که باید در پشت اطاق های درسسه و در ورای برده سنگینی از اسبابات حل و فصل گردد.

جنگ ناخواسته. مشکل بیش از دو میلیون آواره و بی خانمان. بحران و ورشکستگی اقتصادی، بیکاری آشکار و بنهان مملوینها ایرانی، گرانی سراسر امور و ماحناج عمومی عدم امنیت شغلی برای ادامه حیات فردی و اجتماعی، افراط غارت اموال و دارائی ها از طرق رسمی و غیررسمی، افراط در انقلابی نمائی های قلابی و کاذب، رواج اختناق و تقویت روحیه جاسوسی و مزدوری از طریق دوا بر باصلاح سیاسی و ایدئولوژیک و انجمن های اسلامی و اداره امور برینسی آموزش و پرورش و هزاران مشکل و معضل که نتیجه ادا شد حکومت انحصاری یک جریان سیاسی فاسد است برای نابودی کشور گائی نبود و ضرورت داشت برای سریع این نابودی در سرتاسر کشور فرمان قتل و غارت صادر گردد.

بدیهی است در این میان این سؤال بزرگ مطرح میشود که مسئولیت کشور با کیست؟ بقیه در صفحه ۴

## در سهای اول ماه مه! کشف یک توطئه قدیمی ریشه های تاریخی ائتلاف حزب توده و هیئت حاکمه

### اشترک در استقرار حکومت وحشت و وابستگی!

... عناصر فرصت طلب و بی اعتقاد بهرگونه اصل عقیدتی در طبقه حاکمه وهم چنین جناحی از هیئت حاکمه، همواره مورد سوء استفاده حزب توده قرار گرفته اند و این حزب وابسته به بیگانه که فقط در یک سیستم جهانی موجودیت دارد و در چهارچوب منافع سیاسی و نظامی یک قدرت بزرگ عمل میکند همواره با شیطانی ترین روش ها و با مهارت از تناقضات و اختلافات موجود و خودخواهی شخصیت های سیاسی و قدرت طلبی دستم.

## حزب جمهوری اسلامی برای نابود کردن اسلام و ایران تشکیل شده است

از «گفتگو با استاد علی تهرانی» مندرج در شماره سوم «نشریه محراب»

اختلافات و شمشیرزدن بروی همدیگر شرک است. این دور این بت است و آن، دور چوبی باشد یا مثل حالا، مثل آن بت. فرقی نمیکند. این

## ملت بشدت نگران تمامیت ارضی و استقلال کشور است

## ارتش ملی را از توان نیندازید

"باتوجه به منابع عمده نفت حوزه خلیج فارس و منابع سرشار نفتی ایران در "خوزستان، انتظار میرفت که "استعمار تمامی هوش و حواس "خود را معطوف این ناحیه "ببازد و برای آنکه امکان "ادامه بهره برداری از منابع "نفتی این منطقه به دور از "نگرانی و دغدغه خاطر میسر "باشد، کوشش کند تا در شکل "سیاسی منطقه دگرگونیهای "را بوجود آورد، مهم ترین "محلی که این دگرگونی مبنایست

"بودن عرب زبانان ایرانی "خوزستان در قبال اکثریت نزدیک بانفاق "ساکنان فارس زبان ایرانی این "سرزمین (که از دوران پیش از "تاریخ بعد کهنواره درخشان (بخشی از جزوه "مستلله "فرهنگ و تاریخ ایران بوده

در آن صورت بپذیرد، "خوزستان است که با طرح "مستلله دفاع از حقوق خلق "عرب و طلب خودمختاری "برای آن بامید آنکه (شخی) "را بر آن حاکم سازند و "ذخائرش را چون گذشته به "بغما ببرند دور از امکان "نمی نمود. اما از آنجا که با "همه بوق و کرناها و تحریکات "عراق و مصر و عربستان - "سعودی و دیگران افسانیه "خلق عرب و تقاضای خود "مختاری آنان با توجه به ناچیز

## حمله به کانون نویسندگان را محکوم میکنیم

... زمانیکه سیاهی شب استبداد بر این مرز و بوم سایه افکنده بود... زمانیکه فغان درد آکین مطلوبان فضای کند آلود روزگاران را بر کرده بود... زمانیکه ریختن خون مبارزان این سرزمین مایه شادکامی خودکامان کشته بود. این قلم بدستان متعهد بودند که سینه عافیت را آماج هزاران تیر مرارت کردند... این رسالت بردوشان سرفراز جامعه بودند که توانستند علیه اختناق و سانسور قهرافزایند... و این طلبه داران آزادی و آزادی بودند که با تکیه بر نیروی مردم آهنگ آن کردند که بنجد نطاول سم را به قوت بازوی قلم به بیجانند... اما اکنون... یعنی در روزگاری که نه جنایت عزت میدهند و برای اندیشه و قلم ذلت طلب میکنند، خودکامان چنان قدر توان آبرو بافندادند که بر قلمرو دانش و قلم پرورش برند و محل کانون نویسندگان ایران را عرصه ترکساری خود قرار دهند.

"سازمان نویسندگان و پژوهشگران و همروان جبهه ملی ایران" ضمن ابراز تاسف فراوان این عمل مذموم و شراب آمیز را شدیداً محکوم و تهنیح میکند.

سازمان نویسندگان و پژوهشگران و همروان جبهه ملی ایران

## دولت منتخب جمهوری اسلامی برای کارگران چه کرده است؟

تراژید مایحتاج زندگی نهنتها را میتوان بصورت زیر خلاصه ختنی کردید بلکه کارگران را کرد:

- ۱- مبارزه با گرانی و احتکار در سراسر کشور.
- ۲- تا مین کار برای بیکاران استخدام کارگران بیکار و برچیده شدن بساط (اضافه کار اجباری) در کارخانه ها
- ۳- تشکیل شوراهای غیر فرمایشی و غیر انحصاری کارگران برای اداره امور کارخانه ها و کارگاهها بانظارت سرپرستان رفاهی، موجبات دل سردی و نارضاضی را در کارگران و متخصص.
- ۴- سپیم کردن کارگران در سود کارخانه ها
- ۵- دارا بودن حق مسکن، خواربار، پزشکی و درمان رایگان برای کارگران.
- ۶- تا مین تعطیل لازم و ساعت کار معقول در هفته.
- ۷- منع باکساری ایدئولوژیک کارگران.

## برای نجات ایران و مبارزه با استبداد و وابستگی سازمانهای مترقی و آزادیخواه باید متحد شوند و مردم را متشکل کنند





